

کارگران می توانند و باید که تشکلات مستقل خود را در این شرایط بحرانی ایجاد کنند

صدای اعتراض کارگران روزی نیست که از گوشه ای شنیده نشود ، اما بنسبت حجم اعتراضات نتایج مثبت حتی اقتصادی برای کارگران در کمترین میزان بدست آمده است و آیا نداشتن تشکل مستقل کارگران تنها دلیل این موضوع نیست ؟ آیا این بستر گسترده اعتراضات کارگران نباید کارگران آگاه و فعالین کارگری را وادار کند تا در این شرایط بحرانی همه نیروی خود را صرف سازماندهی تشکلات مستقل نمایند ؟ آیا بر گروههای چپ که آرمانشان سوسیالیسم و رهبری طبقه کارگر است ضرورت ندارد که اگر برایشان برخورد تنوریکی الویت دارد ، بخشی از نیروی خود را هم صرف گسترش سازماندهی کارگران در واحدهای کاری آنها نمایند ؟ آری امروزه که جناحهای حکومت برای بدست آوردن قدرت سیاسی و اقتصادی بیشتر به حذف یکدیگر همت گذاشته اند و سایتهای جناحی در رقابت و جذب آرا به انتشار بیشترین اخبار اعتراضات کارگران پرداخته اند و کارگران روزبروز از تامین معاش درمانده اند ، بهترین زمان برای ایجاد تشکل است . امروزه که کارگران واحدهای تعطیل شده بدنبال حقوق عقب افتاده و بیمه بیکاری هستند و آنهایی که کاری دارند ، نگران از دست دادنش بوده و اینکه حقوق دریافتی توان مقابله با تورم روزافزون را ندارد بنوعی همه آنها را می توان حول خواسته های مشخصی گرد هم آورد و لذا زمان طلایی برای ایجاد تشکل بوجود آمده است.

جناحهای حکومت اگر با آرامش به درگیری و افشای یکدیگر می پردازند ، بدلیل آنستکه گمان دارند هرگونه اعتراضی را در نطفه خاموش کرده اند و در نتیجه خطری از سوی مخالفان داخل برای رژیم تصور نمی کنند . مروری بر اعتراضات افشار مختلف از خرداد سال ۸۸ که میلیونی بود تا به امروز که بیشتر صدای اعتراضات کارگران بگوش می رسد ، حاکیست که تحولی در حرکت مخالفان رژیم باید شکل گیرد . منکر این نمی توان شد که شدت سرکوب و بیرحمی نیروهای سپاهی و امنیتی رژیم در خاموش کردن صدای مخالفان تاثیر مهمی داشته ، اما مگر در طول یکصد سال گذشته همواره دیکتاتوری و سرکوب وجود نداشته و مگر امکان برقراری دموکراسی و آزادی را باید هدیه جناحهای حکومت دانست ! چگونه است که دیگر از دانشجویان که همواره پرچم آزادیخواهی را در دست داشتند ، صدایی شنیده نمی شود و دیگر تجمعاتی در دانشگاهها بروز نمی دهد ! آیا روشن نشده که دانشجویان خواست دموکراسی را از تفکر اصلاح طلبی جدا دیده و باور دارند که دیگر حکومت اجازه نخواهد داد تا آنها به قدرت برسند و بنابراین اشتراک مخالفان در نحوه برخورد با حاکمیت دچار تفرقه و یاس گشته است ! اما این موضوع چرا موجب نمی شود تا دانشجویان چپ به آرمانشان بیشتر امیدوار گشته و بتوانند سایر تفکرات سکولار و دموکرات دانشجویان را حول استراتژی خود متحد سازند و ثابت نمایند که هنوز قادرند نقش پراهمیتی را در جامعه بازی نمایند ؟

انتشار مجدد سخنان رفسنجانی در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ برای پایان جنگ با عراق در میان فرماندهان سپاه ، مبنی بر اینکه انقلابی گری (؟) کله شقی متحجرانه نیست ، تحول پذیری منطقی است ، انسان انقلابی مقتدر است اما جمود ندارد ، تعصب ندارد و وقتی حق را تشخیص داد حتی خلاف نظرش در مقابل حق خاضع است و می پذیرد این بهترین مصداق انقلابی گری است که امروز امام ما آن را به منصفه ظهور رساندند ، هشداری مهم به خامنه ای برای امکان سقوط نظام است و چنانچه گروهی از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی در ایران نیز خواستار مذاکره مستقیم ایران و آمریکا شده اند . زمانیکه کرباسچی مهره ارزشمند رفسنجانی مشکلات را نتیجه برنامه های هردو اصلاح طلبان و اصولگرایان دانسته و از عدم اشتراک درونی خود اصلاح طلبان در زمان قدرت آنها حرف می زند و در آخر نتیجه می گیرد که انتخابات را باید باهر شکلی انجام داد ، اینکار را جز از وظیفه شناسی وی برای حفظ نظام باید دانست ! اگر اصلاح طلبان از درون زندان و خارج کشور از انتخابات آزاد سخن می گویند ، در حالیکه یادشان نمی آید که چگونه خود در زمان داشتن قدرت عامل محدودیت در انتخابات بوده اند ، چرا نباید خامنه ای ، جنتی و دیگران بگویند در طول ۳۴ سال گذشته همواره انتخابات آزاد بوده است ! دلیل اینکه برخی چراغ جادوی انتخابات را در دست گرفته تا این نظام یکبار دیگر از پیروزی خود با

شرکت اکثریت مردم در انتخابات سخن گوید ، ترسی است که از رشد خدا ناپاوری و بی دینی در ایران بویژه جوانان کرده است و اینکه مردم به راههای دیگری برای تحول می اندیشند . بیشتر گروههای سیاسی استراتژی خود را بر محور انتخابات آزاد گذاشته اند ، در حالیکه کاملا واقفند که چنین امکانی در چنین نظامی وجود ندارد و این موضوع تنها سرپوشی است تا تغییر و سرنگونی نظام را از محوریت برنامه خود کنار بگذارند .

آیا با قانون کاری که بگفته بازرس اتحادیه پیشکسوتان خانه کارگر ، حاصل تلاش حسین کمالی وزیر پیشین کار و رییس فعلی حزب کار که احتمالا خود را کاندید رییس جمهوری می کند ، نباید به حال کارگران و فعالین که چنین خانه کارگری داشته و چنین قانون کاری را ارزش می دهند ، گریست ! چرا همه بر طبل انتخابات چه نوع آزاد و چه غیر آزاد در حال حاضر سخن می گویند ، در حالیکه زندگی کارگران در بدترین شرایط دوران اخیر قرار دارد و مگر حتی تقسیم قدرت جناحها کمکی در بهبود زندگی کارگران صورت خواهد داد ؟ مگر با تکیه بر همان قانون کارمصوب زیر نظر همین مسولان زرد کارگری نبوده که بیمه کارگران کارگاههای زیر ۵ و ۱۰ نفر حذف شده و تدریجا قراردادهای موقت پایه گزاری کردند تا با استمراری از گذشته ، قوانین ضد کارگری بیشتری تصویب کردند ؟ آیا سالروز کشته شدن چهار کارگر ذوب مس خاتون آباد شهر بابک در چهارم بهمن ۱۳۸۲ که در زمان اوج قدرت خاتمی و اصلاح طلبان بود و تنها خواست استخدام دائمی توسط پیمانکار را داشتند اما در روز نهم تحصن با حمله هلیکوپتر و گارد ویژه نیروی انتظامی روبرو شدند ، یادآوری این نکته نیست که برای کارگران تفاوتی از اینکه چه جناحی در این نظام و هر نظام سرمایه داری حکومت کند ، نبوده و وضعیت آنها تا برقراری استعمار طبقاتی بهبود کیفی نخواهد یافت . آیا پس از ۱۰ سال از گذشتن این کشتار که همگی مسولان اظهار شرم کردند ، حقوق کارگران کشته شده و آسیب دیده پرداخت شده و زندگی خانواده آنها تامین شده است و یا اینکه کارگران بیشتری در این استان و سایر استانها بیکار شده اند ؟ آیا حوادثی که به کشته شدن کارگران در معادن و دیگر کارها بویژه کارهای ساختمانی پیش می آید کاهش یافته ، و یا اینکه با وجود ابلاغ کتبی دولت هنوز یکی از مهمترین خواسته های کارگران همان حذف پیمانکاران واسطه و رسمی شدن بخش بزرگی از کارگران صنایع کشور و بخش خدماتی است ؟ اخبار ایلنا سایت رسمی حاکیست که ۲۴ کارگر بازمانده از آخرین مورد انفجار معدن یال شمالی طبس بعد از گذشت یکماه همچنان نه حقوق و نه بیمه بیکاری دریافت می کنند و نه تکلیف شغلی خود را می دانند و همواره تکلیف بازماندگان کارگران در حوادثی که خود هیچگونه تقصیری ندارند ، همین بلاتکلیفی است !

میلیاردها درآمد نفتی در طی ۳۴ سال گذشته در جیب چه کسانی رفت ، در حالیکه کارگران روزبروز بیکارتر شده و نسبت حقوق دریافتی آنها نسبت به گرانی و تورم همواره سیر نزولی داشته و دارد و چرا پرداخت یارانه نیز برخلاف وعدهای توخالی همیشگی مسولان نتوانسته است ، حداقل تورم افسار گسیخته تحت مدیریت خودشان را پوشش دهد ؟ مگر مسولان که نیمی از بحران اقتصادی را ناشی از تحریم قدرتهای غربی می دانند ، خود با سیاستهای بحران زا در منطقه و برای توسعه غنی سازی انرژی هسته ای دامن نزدند ، گرچه تحریمهای اقتصادی و فساد مسولان حکومتی و دولتی بیشتر بر کارگران و زندگی اقشار کم درآمد تاثیر ویرانگر داشته است . قدرتهای بزرگ چه غربی و چه شرقی بخوبی با فروش کالاهای ساخته شده نظامی و صنعتی از سود سرشاری استفاده کرده و تا زمانیکه وجود رژیم بسود آنها باشد با همه مشکلاتی که برای کارگران و سایر اقشار پیش می آید ، بربقای آن اصرار خواهند داشت و بی جهت پاسدار رحیم صفوی باور دارد که با کمک روسیه و چین در مقابل آمریکا خواهند ایستاد ! مسولان خانه کارگر تاکید دارند با کمک وام و تسهیلات دولتی ، سرمایه داران خواهند توانست به تولید بپردازند تا بیکاری کاهش یابد ، اما دیگر سخنی از اینکه مگر منابع دولتی سهم همه مردم نیست و چرا دولت باید بجای تامین زندگی کارگران با حداقل حقوقی بر مبنای هزینه های جاری به کمک سرمایه داران که بیشتر آنها وابستگان دولتی و حکومتی است بروند . همواره وعده های رییس دولت و سایر مسولان به کارگران توخالی بوده و اما برای وابستگان آنها سرمایه میلیاردی یک شبه فراهم کرده و از همین حالا روشن است که حقوق حداقل کارگران در سال دیگر نیز افزایشی در حد گذشته خواهد داشت و سخنان مسولان نیز حاکیست که بیشتر در فکر رقابت با یکدیگر در کسب قدرت بوده و برایشان زندگی کارگران اهمیتی ندارد . احمدینژاد که در تحریف سخنان و پرتاب توپ در دورترین نقطه تبحر بسزایی دارد ، بجای جلوگیری از بیکاری روزافزون و پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران از طریق

همان پیمانکاران وابسته و دلال و یا سازمانهای تحت پوشش دولت ، از ۵ برابر شدن یارانه و دادن هر ۲ هکتار زمین به ۱۵ میلیون خانوار می گوید تا بقول خودش سراب دل انگیزی برای کسانی باشد که مدام فریب حرفهایش را می خورند ! در حالیکه کارگران فصلی صنعت کشت کارون برای چندمین بار جلوی دفتر رییس جمهوری تجمع کرده اند تا بدانند چرا ایشان بقولی که داده عمل نمی کند و آنها چگونه باید زندگی روزمره خانواده خود را تامین کنند!

چگونه است که دبیر خانه کارگر همدان اعلام می کند که حمایت تشکلات و گروههایی که نام کارگران را یدک می کشند از شخصی که نهاد قانون گذاری در صلاحیتش تردید دارد ، غیرقانونی بوده و تا زمان اثبات یا تکذیب رسمی ، تشکلهای کارگری باید سکوت کنند و چرا وی می گوید که دخالت تشکلهای کارگری در امور سیاسی به زیان فعالیت های صنفی کارگران است و همه باید تابع قانون باشند ! قانونی که تنها از طبقه سرمایه دار حمایت می کند ، مگر همین قانون از حق تشکل مستقل و حق اعتصاب سخن نگفته پس چرا این نهادهای وابسته سخنی از اعتصاب برای گرفتن حقوق کارگران نمی گویند ! چگونه است برخی نهادهای وابسته کارگری برای مرتضوی نامه حمایتی نوشته و نهادهای مربوط به خانه های کارگر ، کارگران را به دادن رای به محبوب و کمالی و جلوآرزاده ها تشویق می کنند ، مگر نماینده مجلس و کاندید رییس جمهور شدن یک امر سیاسی نیست ! چگونه است که سرمایه داران حقوق عقب افتاده کارگران را نداده و یا بیمه آنها را در زمان کارکرد پرداخت نمی کنند تا در تمدید دفترچه های بیمه مشکلی نداشته باشند ، کارگرانی که با گرانی و حشتناک دارو و بیمارستان و با عدم سرویس درست بیمه های اجتماعی برای پوشش کامل روبرو هستند ! اعتراضات مسولان خانه کارگر به تشکیلات زرد دولتی تنها بدلیل اینستکه با حمایت دولت مورد تایید اتحادیه های بین المللی کارگری هستند و نقد آنها به مدیریت دولت تنها بدلیل رقابت انتخاباتی و کنترل کارگران است . چرا این مسولان که نگرافتن حق کارگران را بدلیل نداشتن تشکلات کارگری می دانند ، خود به نیروهای امنیتی و انتظامی می پیوندند تا هیچ تشکل مستقلی ایجاد نگردد و چرا زمانیکه از دولت خواهان اجرای سه جانبه گرایی هستند ، آنرا تنها برای شرکت همکاران خود در تشکیلات دولتی و بین المللی خواهند و این حق را مثلا برای کارگران شرکت واحد که خواهان حذف شورای اسلامی بدلیل حمایت کارفرمایان و فعال شدن سندیکای مستقل خود هستند ، قائل نیستند!

اخیرا علاوه بر کمکهای پیشین ، اعلام شده که اختصاص خط اعتباری یک میلیارد دلاری بانک ایرانی به سوریه و کمک چهار میلیون دلاری دولت به سه کشور آفریقای انجام می گیرد ، پولهایی که برگشت ندارد ، پس چرا دولت بودجه ای برای رسمی کردن کارگران پیمانکاریها و حق بیمه بیکاری کارگران بیکاری که بدلیل همین فساد مدیریتی کارشان را از دست داده اند ، اختصاص نمی دهد ! اخیرا سفیر ایالات متحده آمریکا در یمن ، جمهوری اسلامی ایران را متهم کرده که با گروه های جدایی طلب در یمن همکاری می کند تا نفوذ خود را در این کشور گسترش داده و مناطق استراتژیک اطراف تنگه هرمز را بی ثبات کند . همچنین گزارش نیویورک تایمز که از قاچاق مهمات به آفریقا و رد گلوله ایرانی تا آفریقا سخن می گوید و جیمز بیوان بازرس سابق سازمان ملل که از سال ۲۰۱۱ مدیر تحقیقات تسلیحات در بریتانیا بوده است می گوید ؛ اگر قبلا از من می پرسیدید سهم ایران در قاچاق مهمات سلاح های سبک در آفریقا چقدر است می گفتم خیلی ناچیز و اما درک ما نسبت به این موضوع تغییر یافته است . اخیرا باز اعلام شده که دولت و مجلس با پادرمیانی ولایت فقیه توافق کرده اند که دو میلیارد دلار از ۷ میلیارد درخواستی از صندوق توسعه ناشی از درآمد فروش نفت برداشت گردد . صندوق توسعه ملی ای که به جای حساب ذخیره ارزی و برای سرمایه گذاری در پروژه های بزرگ تشکیل شده است و بر اساس لایحه بودجه ۹۱ کل کشور ، ۲۳ درصد درآمد نفت و گاز و میعانات گازی به این صندوق واریز می شود و دارایی های این صندوق تا پایان مهر سال جاری ۴۲ میلیارد و ۸۶۲ میلیون دلار اعلام شده است . همچون گذشته برداشت پول از درآمد فروش نفت با عنوان کمک به افشار کم درآمد از طریق کمک به پروژه های عمرانی و بازپرداخت بدهی پیمانکاران بخش مسکن برداشت می گردد ، در حقیقت این بودجه برای نیاز دولت به پرداخت حقوق و یارانه ای است که احتمالا در چند ماه آخر برای جذب مردم برای انتخابات هزینه خواهد شد و همچنین صرف هزینه های پروژه بی سرانجام انرژی هسته ای و باج به سران منطقه و دیگر هزینه های رانتهی نیز خواهد گردید . در مورد کاهش بیکاری کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران در خصوص نتایج آمارگیری از نیروی کار که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده

توجه را به دو نکته اساسی در نحوه تهیه این گزارش و شیوه پیمایش مرکز آمار ایران در دولت محمود احمدی‌نژاد ضروری می‌داند یکی تعریف مفهوم کار و دوم تعریف اشتغال که به واسطه این تعاریف می‌توان دید که کار کودکان زیر ۱۵ سال نیز رسمیت یافته و بر آمار اشتغال افزوده شده تا به این ترتیب درصد بیکاری کمتری در کارنامه دولت مشاهده گردد. با صرف میلیاردها دلار نفتی، اما کارگران کوره پز خانه‌ها پس از ۴۰ سال کار مشقت آور باید به برای گرفتن تایید دنبال کارفرمای ۴۰ سال پیش خود بگردند، چرا که سازمان بیمه اجتماعی تحت مدیریت مرتضوی جنایتکار این کارگران زحمتکش را بدنبال کسانی می‌فرستد که پیدا کردنشان تقریباً محال است! روحانی که سالها جزو مسولان درجه یک حکومت بود، از نرخ بیکاری ۱۲ درصد سخن گفته و اختصاص ۲۳ هزار میلیارد تومان از منابع بانکی را که توسط دولت با عنوان ایجاد فرصتهای شغلی به بنگاههای زودبازده که در حقیقت رانت به وابستگان بود را بی نتیجه خوانده است، این پول بخشی از پول بی زبان بزرگتری است که هنوز به بانکها برگشت نشده اند! آری سیر ۳۴ سال گذشته بازگویی حقیقتی است که پر کردن جیب سران دولتی و حکومتی از اصلاح طلب و اصولگرا بهمراه فقر بیشتر کارگران نتیجه آنست. مرحله دوم یارانه‌ها که افزایش شدید قیمت‌ها را بدنبال دارد بر فقر کارگران خواهد افزود و بی جهت نیست که بقول یکی از مسولان مردم حاضرند یارانه‌ها را پس بدهند تا قدرت خرید گذشته را داشته باشند، زیرا می‌دانند که در مرحله دوم با افزایش یارانه، هزینه انرژی و سایر کالاهای مورد نیاز بالاتر خواهد رفت.

با وجود بحران اقتصادی و درگیری جناحها برای کسب قدرت، مسولان دولتی و حکومتی از طریق بازوهای امنیتی و انتظامی و تشکیلات زرد کارگری کاملاً مواظب هستند تا هیچگونه تشکلات مستقل کارگری شکل نگیرد. از یک طرف تلاش آنها بر فشار بیشتر به کارگران آگاه و فعالین کارگری است که در داخل و خارج زندانها هستند بطوریکه دیگر کارگران اسارت آنها را سرمشق قرار داده و به فعالیت نپردازند. از طرف دیگر با فعال کردن تشکیلات زرد کارگری تلاش دارند تا کارگران را به آنها امیدوار کرده و جذبشان گردند و دنبال کسانی نروند که خواهان تشکلات مستقل هستند. فشار به رضا شهبازی که تا فلج شدن وی پیش رفت، فشار به بهنام ابراهیم زاده که فرزند بیمارارش در بیمارستان بستری است و فشار به سایر کارگران و فعالین جزو برنامه‌های آگاهانه مسولان امنیتی است تا روشن کنند که تضاد بین طبقه سرمایه دار و کارگران آنتاگونیستی است و تا وجود استثمار ادامه خواهد داشت. وضعیت کارگران آگاه و فعالین کارگری از زندان آزاد شده همچون اسالو، مددی، نجاتی، اعضای کمیته هماهنگی و سایرین غیر از اخراج از کار و مشکل امرار معاش، تحت نظر کامل نیروهای امنیتی اند تا نتوانند به سازماندهی در میان کارگران بپردازند. ماههای اخیر بهترین فرصت برای کارگران و همچنین سایر اقشار ایجاد شده تا خیال راحت جناحهای حکومت را که فارغ از تشکل کارگران و سایر اقشار بدلیل سرکوب شدید، بدنبال رقابت انتخاباتی هستند، با حربه عدم تامین معاش به سازماندهی نیروهای خود بپردازند. کارگران آگاه و فعالین کارگری باید که این فرصت طلایی با بستر فراوان اعتراضات کارگران که دیگر زندگی زیر خط فقر را بدلیل سیاست بازیهی مسولان می‌دانند را به ایجاد هرچه بیشتر تشکل مستقل کارگری تبدیل نمایند.

متأسفانه اخبار ناگواری نیز غیر از زندانی شدن کارگران آگاه و فعالین کارگری و فشاری که بر خانواده آنها و سایر کارگران اخراج شده می‌آید، غیر از حوادثی که روزانه به کشته و زخمی شدن کارگران می‌انجامد، غیر از خیل کارگرانی است که هنوز به دنبال حقوق عقب افتاده و بیمه بیکاری خود هستند و موارد بیشمار دیگری که اینروزها به مشکلات طبقه کارگر افزوده می‌شوند، بگوش می‌رسد که در جهت خلاف رشد و گسترش حرکت کارگران است. یکی از آنها دعوی دونفر است که یکی داخل کشور بسر برده و دیگری در کانادا زندگی میکند و جوابیه‌های آنها که پشت سرهم در سایتها منتشر می‌گردند و دیگر نیازی به نامبردن اسامی آنها نیست. اگر این دونفر همچون کسان دیگری که خود را وابسته به چپ دانسته و به رهبری کارگران باور دارند، ولی بجای پراتیک بیکدیگر تاخته و همدیگر را منحرف و تجدید نظر می‌خواندند، ایرادی نداشت چراکه ربطی به گسترش جنبش کارگران داخل کشور نداشت. اما مساله اینستکه دونفر نامبرده در دعوی بین خود از کارگران مبارز مایه گذاشته و در این میان برای اثبات حقانیت خود از آن کارگران نقل قول کرده و دیگری را رد می‌کنند و این موضوع می‌تواند موجب فعال شدن آتش زیر خاکستری باشد که بدلیل تفکر ایدئولوژیکی در بین فعالین کارگری و گروههای چپ وجود داشته و دارد، اختلافاتی که در سالهای ۸۴ تا ۸۸ منجر به کاهش گسترش و سازماندهی حرکت

کارگران گردید. این موضوع باید هشدار برای کسانی همچون رضا شهابی و دیگر کارگرانی که در زندان هستند و کسان دیگری همچون محمود صالحی و دیگرانی را که نهادهایی در حمایت از شهابی، ابراهیم زاده و دیگر کارگران براه انداخته تا موجب آزادی آنها گردند، تا مواظب حاشیه ها باشند. شخصی که در ایران است و بتازگی با مقالات متعدد خود را مطرح کرده است، هرچند این مقالات از پراکنده گویی بسیار و ذهن دور از طبقه ای را تداعی می کند که بیشتر به بازگویی آثار لنین با درهمی از نئولیبرالیسم و موارد دیگر است، با تکیه بر دیداری که از رضا شهابی داشته که به چند روز مرخصی آمده، دعوی قدیمی را با فرد دیگر آغاز نمود. هرچند امید بود که این دیدار بتواند مایه ای باشد تا این شخص درد طبقه را از نزدیک حس کرده و در بازگویی آثارش تاثیر مثبتی بگذارد، اما ایشان در مقاله ای که به دیدارش از شهابی پرداخته به بازگویی روایتی از جایزه اهدایی به شهابی پرداخته که ربطی به گزارش این دیدار نداشته تا خصوصیت سوسیال دمکراسی اش را نشان دهد. متأسفانه شخص دیگر که در کانادا زندگی می کند و بنظر فرد شناخته شده ای در خارج کشور در مورد تشکلات صنفی کارگران است، بلافاصله جوابیه ای را مبنی بر وابستگی به سندیکای کارگران شرکت واحد می دهد که در ادامه نامه نگاریها و دعوی خصوصی آنها به نقد شهابی و اینکه نباید چنان روایتی را نقل می کرد، کشیده می شود. اگر ایندو نفر با شناختی که از یکدیگر دارند به نقد تنوریکی و عملی یکدیگر می پرداختند، مشکلی ایجاد نمی شد، اما نوشته های آنها بیشتر از آنکه به این موضوع بپردازد، غیر مستقیم و آشکارا به زیر سوال بردن شهابی را دارد که برای درد بی درمان خود چند روزی را به مرخصی آمده و شجاعانه در خانه اش را بروی همه باز گذاشته، در حالیکه می داند نیروهای امنیتی همه این موارد را دیرتر برسرش خراب خواهند کرد. سوال اینستکه اگر آنها باور دارند و یا تلاش می کنند که خدمتی به گسترش مبارزات کارگران انجام دهند، چرا این چنین و با واسطه قرار دادن کارگران زندانی خود را تیرنه می نمایند و همچنین شاخک های تیز نیروهای امنیتی را نیز حساس می کنند، شاید این موضوع به خبر دوم هم ارتباطی داشته باشد!

خبر ناگوار دوم مربوط به برکناری منصور اسالو از ریاست هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه است که بدون مقدمه توسط سندیکای مزبور در اکثر سایتهای منتشر شده است. قابل قدردانی است که هنوز هیات مدیره این سندیکا خود را برسمیت شناخته و با وجودیکه اکثر نمایندگان یا در زندان و یا اخراجی هستند، تلاش دارد تا توان خود را در مبارزات کارگران بگذارد. کسی نمی تواند تاثیر قاطع ایجاد این سندیکا را در شرایطی که ایجاد تشکل مستقل همچون تف سربالا برای مسولان دولتی و نیروهای امنیتی بود و بویژه مسولان زرد خانه کارگر و نیروهای انتظامی که جلسه رای گیری را به صحنه جنگ بدل کرده بودند، برروی مبارزات کارگران شرکت واحد و سایر واحدهای صنعتی و خدماتی فراموش نماید. با ایجاد سندیکای واحد منصور اسالو تنها سمبلی بود که از میان مددی، ترابیان، رضوی و سایرین انتخاب گردید که خود همه این نمایندگان سمبلی از هزاران کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی بودند که سروصدای خواسته حق ایجاد تشکل مستقل و حق اعتصاب را برای محقق کردن خواسته های کارگران در داخل کشور و در جهان به صدا درآوردند تا اتحادیه های بین المللی کارگری نیز اندکی وقت گرانبهای خود را صرف کارگران ایران بنمایند. حرکت مبارزاتی این سندیکا، اولین حرکت سندیکایی در طول ۳۴ سال گذشته بود که مبارزات اقتصادی کارگران را به اعتراضی سیاسی تبدیل نمود و اعضای را پرورش داد که همچنان به مبارزه خود ادامه می دهند. بطور قطع وجود این کارگران مبارز سندیکا در حرکتهای اعتراضی اخیر کارگران شرکت واحد نیز تاثیر مهمی داشته و هرکدام آنها وزنه سنگینی در آینده جنبش کارگری خواهند بود.

سخن این نیست که هیات مدیره یک سندیکا حق ندارد تا رییس خود را تغییر دهد که البته در این نامه اسمی از جایگزین آورده نشده است، سخن اینستکه چرا در این زمان که وحدت همین تعداد اندک کارگران آگاه و فعالین ضرورت دارد، چنین نامه ای منتشر می گردد! اهمیت اسالو ها و مددی ها و شهابی ها و دیگران بیشتر در حرکت طبقه کارگر داخل ایران است، در حالیکه نامه به فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل نوشته شده و به دیگر سازمانهای بین المللی و سرآخر به نهادهای داخل نیز کپی داده شده است. سوال اینستکه چگونه هیات مدیره سندیکا پس از وقفه طولانی به انتشار این نامه همت گذاشته، در حالیکه کمتر سایر اخبار کارگری و مقالات مفید را همچون گذشته منتشر کرده است. اگر حذف پوشش اخبار کارگری و مقالات که در همین سندیکا منتشر می گردید را بدلیل سرکوب نیروهای

امنیتی دانست ، اما همه این کارگران مبارز با دانستن این امر پا به میدان گذاشته و تا بامروز نیز بسیار از خود گذشتگی کرده اند و لذا باید که خود را فعالتر نشان دهند تا تاثیر مثبت آن بر دیگر کارگران دیده شود . اگر ناراحتی آنها استفاده منصور اسالو از نهادهای بین المللی است ، می توانستند اینکار را مانند دیگر عملکردهایشان به آرامی انجام دهند و اگر منظور استفاده از حمایت اتحادیه های بین المللی برای مسائل مشخصی است که با توجه به حمایتهای محدود آنها ، نمی بایستی چنین شوکی را ایجاد نمایند . گرچه بت پرستی و شخصیت سازی نامربوط و مردود است ، ولی شکستن اسطوره نیز تایید نمی گردد ، کسی نمی تواند منکر مبارزات این نمایندگان و بویژه تاثیر منصور اسالو در حرکت کارگران باشد و هیچکس نیز نمی تواند بدلیل مبارزات گذشته برای خود حق بخصوصی قائل باشد و یا تضمین دهد که تا به آخر مبارز باقی خواهد ماند . اما اگر انتشار نامه الزامی بود ، حداقل همچون نامه های متداول با تقدیر از گذشته و بدون ذکر کلی تخلفات که هزار نوع اندیشه را در ذهن تداعی می کند ، آنرا با ذکر جانشین و برنامه های آینده منتشر می کردند.

باری با بستر گسترده اعتراضات کارگران سوال اینستکه تاچه زمانی کارگران معادن باید منتظر کارگران آگاهی باشند که در ایجاد تشکل مستقل آنها را یاری نمایند تا دیگر همچون کارگران مس خاتون آباد برای درخواست استخدام رسمی در مقابل شلیک گلوله ها فرار نگیرند و یا اینکه حوادثی بدلیل هزینه نکردن سرمایه داران برای تجهیزات ایمنی همچون کارگران یال شمالی طبس و کارخانه قدیر یزد کشته نشوند و خانواده آنها بدون سرپرست اسیر اجتماع پراز فساد و اعتیاد نگردند . چرا نیروی بیشتری صرف سازماندهی تشکلات ایجاد شده کارگران پیمانکاریهای پتروشیمی منطقه بندر ماهشهر نمی گردد تا آن اعتصابات ارزشمند تنها به رسمی شدن بخشی از کارگران منتهی نگردد ، البته اخیرا ۸۰۰ نفر از کارکنان پتروشیمی آبادان نیز رسمی شدند . چرا باید درخواست کارکنان شاغل و بازنشسته شرکت پالایش نفت آبادان و سازمانهای تابع وزارت نفت از وزیر نفت در مورد فروش منازل سازمانی طبق تعهد گذشته ، اقدامی صورت نگرد تا مجبور گردند تا اجاره بیشتر داده و یا در زمان بازنشستگی تخلیه نمایند ! چرا زندانی شدن ۳ کارگر پالایشگاه بندر عباس و سایر اعتراضاتی که در سایر پالایشگاههای نفتی و گازی صورت می گیرد که با تلاش مسولان سپاهی مستقر در واحدها و نیروهای امنیتی مسکوت مانده با حمایت همه جانبه ای برای آزادی آنها و ایجاد تشکل برای سایر خواسته ها روبرو نگردید تا بخش صنعت مهم نفت و با اهمیت وارد کارزار مبارزاتی گردد . مگر بدلیل نبود تشکل مستقل نیست که کارگران بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی همچون کارگران مخابرات استانهای خراسان رضوی و خوزستان که ده ماه حقوق عقب افتاده دارند که جلوی مجلس تجمع کرده اند و یا کارگران نساجی کاشان که با ۴۰ ماه حقوق معوقه و مشکل بازنشستگی تنها با وعده های توخالی دولت و وزیرکار روبرو هستند . شوخی نیست ۱۰ ماه و ۴۰ ماه حقوق ناچیز در این بحران اقتصادی و گرانی روزافزون که حقوق کارکرد خود را هم نمی گیرند ، آیا محجوب و جلودار زاده که خود را نمایندگان کارگران در مجلس می دانند نیز حقوق عقب افتاده دریافت نشده دارند و یا حقوق و مزایای سرسام آور دارند ؟ چگونه است که کارگری از میان معترضین کارگران آب و فاضلاب روستایی دشتستان که در اعتراض به ۶ ماه حقوق پرداخت نشده به تحصن در اداره نشسته اند ، می گوید چرا دولت بودجه ای برای آنها در نظر نگرفته است ، در حالیکه این کارگران نمی دانند که بانک رفاه به طلاب حوزه قم تا پایان سال جاری ماهانه تعداد ۱۰۰۰ فقره تسهیلات قرض الحسنه ضروری ۲۰ میلیون ریالی به معرفی شدگان مرکز خدمات حوزه های علمیه قم اعطا می کند تا تنها به تبلیغ دینی بپردازند ! آنچه مایه تاسف است اینکه درسیستان و بلوچستان بزرگ یک کشتارگاه با ۵۰ کارگر تنها واحد بزرگ تولیدی استان است و خیل بیکارانی که باید یا به قاچاق کالاها روی آورند و یا برای کار به سایر استانها بروند و باز هم دولت از عدالت اجتماعی سخن می گوید ! چرا باید ۹۰ درصد شرکتهای تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی که همگی سالها سود ده بودند ، اکنون زیان ده باشند ، هرچند آنقدر سرمایه و پول در سازمان تامین اجتماعی هست که برای کارگران و بیمه کردن آنها استفاده نمی شود ، اما مرتضوی را سرپرست آن تعیین کرده اند تا هم به خودش و هم به رانتهای حق و حساب برسد .

آیا صدها مورد از نامه نگاری ، تحصن ، تجمع ، اعتراض ، اعتصاب کافی نیست تا حجم عظیم اعتراضات کارگری روشن گردد و کار وسیعی که کارگران آگاه و فعالین کارگری باید جهت سازماندهی و گسترش آنها انجام دهند ! امروزه در هر شهر کوچک و بزرگ موارد مختلفی از اعتراضات کارگری

وجود دارد ، بطوریکه فرمانده سپاهی اعلام کرد که ناراضی‌هایی از شهرستانها آغاز خواهد شد و شاید این بدلیل کنترل و دور بودن تهران از واحدهای صنعتی باشد ، بهرحال نشان از آگاهی می دهد که می دانند حجم اعتراضات بیشتر خواهد شد . در حال حاضر بهترین زمان برای کارگران آگاه و فعالین است تا به کارگران نشان دهند که چگونه مسولان دولت و مجلس کاری برای کارگران انجام نداده و تنها بفکر پرکردن جیب خود هستند و در نتیجه براحتی میتوان از جنبه سیاسی به کارگران آگاهی داده و ترکیب خواست اقتصادی و سیاسی را بوجود آورد . کارگران با حضور در مقابل مجلس و ادارات دولتی و نامه نگاری به مسولان ، زمانیکه با عکس العمل مثبتی روبرو نمی گردند ، مبارزه طبقاتی را بخوبی حس کرده و آماده جهت دهی و تغییر کیفی مبارزه می گردند . باید در خلال این مبارزات اقتصادی و نیمه سیاسی به کارگران آموزش داد و ایجاد تشکل مستقل را به درک آنها رساند که نقش تبلیغات در کنار ترویج مبارزه بسیار اهمیت دارد . انتشار اخبار کارگری که نشان از تحصن و تجمع کارگران یک واحد در مقابل مجلس و ادارات دولتی در حد وسیع و بدون نوشتن شعارهای گروهی و مرگ بر نظام در واحدهای صنعتی و محله های کارگری برای وادار کردن کارگران به افزوده شدن به تحصنها و تجمعات بسیار اهمیت دارند . باید پیروزی کارگران پیمانکاریهای پتروشیمی ها برای کارگران نوشته و در مقدار زیاد توزیع گردند تا کارگران بدانند با کمی تشکل امکان پیروزی دارند . باید مبارزات شهابی ها ، نجاتی ها ، ابراهیم زاده ها ، جراحی ها و سایرین برای کارگران منتشر گردند تا آنها بدانند که رژیم با زندان و شکنجه نیز نتوانسته مبارزه آنها را بشکند و گاها مجبور به آزادی آنها شده است ، البته باید تبلیغات و افشاگری ها افزایش یافته و با همدردی و مشارکت خانواده ها در مقابل زندانها افزوده گردد . همه این کارهای تبلیغی باید بدون وابستگی به گروههای سیاسی و شعارهای تند انتشار یابند تا بهانه دست نیروهای امنیتی برای سرکوب ندهد ، چه هر تعداد بیشتر کارگران به اعتراضات دست بزنند ، امکان دستگیری گسترده کمتر خواهد بود . امید است که این فرصت طلایی منجر به وحدت بیشتر کارگران آگاه ، فعالین کارگری و کسانی که باور به سوسیالیسم دارند منجر گشته و تشکلات مستقلی بشمارای ایجاد گردد که دیگر هیچ دولت و حکومتی قادر به درهم شکستنش نباشد.

گروه پژوهش کارگری دی ماه ۱۳۹۱
پیوستها

http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view&id=404&Itemid=9

http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view&id=379

http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view&id=403&Itemid=10

<http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2013/01/2000.html>

<http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2013/01/20-1391.html>

http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1251:1391-11-03-13-42-32&catid=14:1389-12-23-23-57-18&Itemid=27

http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1249:1391-11-02-02-26-42&catid=10:1389-12-23-23-55-18&Itemid=26

http://www.azadi-b.com/J/2013/01/post_45.html

<http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=50390>

<http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=24960>

<http://radiokoocheh.com/article/195422>

<http://www.hafteh.de/?p=36095>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=40078>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=40008>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=39052>

<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=39216>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=39490>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=39166>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=38868>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=37611>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=38716>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=37417>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=36035>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=34995>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=34784>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=34465>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=33477>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=31651>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=38605>